

## بررسی تأثیر اشتغال خارج از خانه زنان بر روابط خانوادگی

نعمت الله تقوی<sup>۱</sup>

قادر محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: 1393/05/06

تاریخ تصویب: 1393/08/30

### چکیده

حدود نیمی از جمعیت فعال جهان، زنان هستند؛ که می‌توانند سهم مهمی در توسعه جوامع داشته باشند. تحول جوامع و تفاوت فرهنگی و شرایط تفاوت نقش دو جنس زن و مرد را به دنبال داشته است. تحقیق حاضر به «بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خانوادگی» می‌پردازد. ابتدا به اختصار به شرح نظریه‌های کارکردگرایی مرتن، نظریه تقسیم کار اجتماعی و نظریه کنش متقابل پرداخته ایم که هر سه مجموعه‌ای از نظریه‌های روابط انسانی بوده و با استعانت از این نظریه‌ها، فرضیه‌های تحقیق را بنا نهادیم. تحقیق حاضر بر روی ۳۹۷ نفر زن متأهل، که (شامل ۱۹۳ نفر زن متأهل شاغل و ۲۰۴ نفر زن متأهل غیرشاغل) در نقاط شهری شهرستان اهر انجام گردیده است. برآورد حجم نمونه از طریق فرمول کوکران انجام پذیرفته و توزیع پرسشنامه به صورت تصادفی سیستماتیک بوده است. تحقیق از نوع پیمایشی بوده و گردآوری داده‌ها از طریق تهیه و توزیع پرسشنامه صورت گرفته است. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل توسط جامعه آماری، به صورت دقیق در بسته آماری علوم اجتماعی (Spss) وارد و روابط معنادری از آن استخراج گردید. آنچه از تحقیقات پیشین دانشمندان دریافتیم این بود که اشتغال زنان می‌تواند روابط خانوادگی را در جهات مثبت و منفی تحت تأثیر قرار دهد. آنچه مسلم و واضح بود این است که اشتغال زنان در روابط خانوادگی آنان تأثیر مثبت دارد. روابط خانوادگی شامل سه رابطه اصلی روابط زناشویی (رابطه زن و شوهر)، رابطه خویشاوندی (رابطه خانواده با بستگان همدیگر) و رابطه والدین با فرزندان طبقه بندی شده بود که به عنوان فرضیه‌های فرعی در نظر گرفته شده بود که هر چهار فرضیه با ضریب اطمینان ۹۵ درصد تأیید شدند.

**واژگان کلیدی:** روابط خانوادگی، روابط زناشویی، روابط خویشاوندی، روابط فرزندی، اشتغال

زنان.

<sup>۱</sup> - عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز Email: nemtaghavi@yahoo.com

<sup>۲</sup> - فارغ التحصیل کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی واحد خلخال Email : ghader\_mohammadi59@yahoo.com

#### مقدمه

در این تحقیق به بررسی تأثیر اشتغال خارج از خانه زنان بر روابط خانوادگی پرداخته ایم. با بروز تغییرات در مبانی اجتماعی جوامع و حاکمیت دولت‌ها و تبیین و تثبیت قوانین، اشتغال نیز همچون دیگر مسایل، شکل خاص خود را پیدا کرده و به ندرت به مشاغل خانگی اطلاق می‌شود. در عصر حاضر، زنان نیز همچون مردان پای به عرصه جامعه نهاده‌اند، خواسته یا ناخواسته به جرگه جویندگان کار درآمده و به مرور زمان خواستار استقلال و داشتن فرصت‌های شغلی متناسب با شئون خود و یا حتی فرصت‌های برابر با مردان شده‌اند. در این تحقیق می‌خواهیم به بررسی تأثیر این واقعیت اجتماعی، یعنی جذب زنان به مشاغل غیر خانگی را بر روابط درون خانواده مطالعه کنیم.

مسأله عمده ای که در راه اشتغال زنان و تأثیر آن بر روابط خانوادگی مطرح است به سه مشکل عمده تقسیم کرده ایم که برخی ریشه در باورهای فرهنگی دارد، برخی برگرفته از سنت‌های ریشه دار اجتماعی هستند و برخی را باور عمومی فضای کشور مان تشکیل می‌دهند که در زیر به هر یک از اینها اشاره می‌کنیم.

۱- **باورهای فرهنگی:** مردان و برخی زنان برخی مشاغل را بد می‌دانند و از انجام آن پرهیز می‌کنند. مثلاً شغل پرستاری هرچند کاری زنانه هست ولی اغلب به دلیل ساعات کاری و نوع رابطه ای که بیماران با پرستاران دارند، مورد پسند همسران نمی‌باشد (احمدی نیا، ۱۳۸۲: ۳۴۲).

۲- **سنت‌های ریشه دار اجتماعی:** دین اسلام زنان را به سوی حفظ ارکان خانواده دعوت می‌کند اما هنجارهای دنیای متجدد (از دیگر سو) آنان را به حضور هر چه بیشتر در جامعه و همکاری فعال در مراکز اشتغال فرا می‌خواند. حال چگونه می‌توان این دو را با هم جمع کرد؟ در صورت به خطر افتادن یکی، اولویت با حفظ کدام است؟ بسیاری از افراد جامعه به خصوص در شهرستانها نسبت به شغل زن دید مناسبی ندارند و تنها جایگاه زن را « خانه » می‌دانند و احتمالاً کارهای غیر از « خانه داری » را برای زنان ضد ارزش تلقی می‌کنند. نبود قوانین روشن در دفاع از زن، کمبود شغل، فقدان سیستم تأمین اجتماعی و بالاخره کم سوادی و بی سوادی از عواملی است که باعث تقویت این بینش شده است و روحیه محافظه کاری و پذیرش جایگاه محدود را در زن ایرانی تداوم و تحکیم بخشیده است (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۱۴۵).

۳- **باور عمومی فضای کشور:** هر حیطة کاری مناسب حضور زنان نیست و یقیناً دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر ذهن مردم ما (برخلاف آنچه در غرب رایج است) حضور زنان را در محیط‌های کارگری نامناسب منع می‌کند و نسبت به آن نظر مخالف دارد. بنابراین مکانی را که زن در آن مشغول به فعالیت می‌باشد باید از هر لحاظ موافق با هنجارهای اسلامی و منطبق با شئون زن باشد، و این باور عمومی برخی مواقع ایجاب می‌کند به دلیل عدم رضایت شوهر، زن کار خود را با تمام علایق رها کند (دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۳: ۴).

متغیر مستقل (اشتغال زنان) و متغیر وابسته (روابط خانوادگی) در واقع دو مقوله ای هستند که بر اهمیت و ضرورت تحقیق دوچندان می افزایند برای این منظور در ادامه داریم:

۱- اگر خانواده اولین کانون تربیتی باشد، بدون شک والدین اولین مربیان و معلمان این کانون مهم محسوب می شوند. در این میان، نقش مادر از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا میزان تأثیرگذاری او از زمان انعقاد نطفه آغاز می گردد و در دوران بارداری این تأثیرگذاری فزون تر نیز می گردد بنابراین ضرورت دارد که این نهاد مقدس تقویت گردد و در جهت پایداری آن گام های مؤثرتری برداشته شود.

۲- ناگفته پیداست که اشتغال چرخ پایدار و قلب تپنده اقتصاد هر جامعه ای است و در این بین یکی از جنبه های مهم و تأثیر گذار بر کانون خانواده می تواند اشتغال باشد؛ مخصوصاً اشتغال مادری که خود تأثیر شگرفی بر روی تربیت فرزندان علی الخصوص از زمان انعقاد نطفه دارد. بنابراین اهمیت تحقیق از اینجا ناشی می گردد که تحقیقی وسیع در خصوص قلب تپنده جامعه (اشتغال) و کانون گرم تربیتی (خانواده) انجام گیرد تا تأثیر آن را بر تحکیم یا تضعیف روابط خانواده بررسی کنیم.

هدف عمده از انجام این تحقیق بررسی این واقعیت اجتماعی است که علی رغم عطش جذب به کار زنان، در بیرون از منزل، آیا این دور بودن زنان از منزل برای ساعاتی معین موجب تقویت روابط خانوادگی شده یا در جهت تضعیف و تزلزل بنیان خانواده گردیده است؟

- ۱- بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط زناشویی ( رابطه زن و شوهر )
- ۲- بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط با فرزندان ( رابطه والدین با فرزندان )
- ۳- بررسی تأثیر اشتغال زنان بر روابط خویشاوندی ( رابطه والدین با افراد فامیل )

#### مطالعات پیشین

تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده اغلب به تأثیر اشتغال زنان بر رفتارهای فردی زن مانند شادابی و نشاط روحیه زن، منزلت اجتماعی زن و تأثیراتی که اشتغال زنان بر خود آنها دارد، پرداخته اند که بهتر است در بعد خانوادگی و آثاری که خروج زنان از منزل برای اشتغال انجام می گردد، بررسی و کنکاش بشود. مثلاً خلاصه تحقیقات زیر را که قبلاً انجام شده است، داریم:

- ۱- اشتغال زنان سبب افزایش عزت نفس آنها می شود و همینطور کمتر دچار افسردگی می شوند (خسروی، ۱۳۸۱).
- ۲- زنان شاغل استقلال عمل بیشتر و قدرت تصمیم گیری زیادی نسبت به زنان خانه دار دارند (نیک صالحی، ۱۳۸۶).

- ۳- اشتغال زنان موجب افزایش نشاط و شادابی و روحیه زنان می شود( دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۸).
- ۴- کار بیرون منزل سبب لطمه به شخصیت وی و در نتیجه در میان اعضای خانواده از عزت و احترام کمی برخوردار خواهد شد( آگوست بیل، ۱۳۸۴).
- ۵- اشتغال زنان باعث می شود خطر رقابت با همسر پیش بیاید و این برای سلامت خانواده مفید نیست(آندره میشل، ۱۳۵۴).
- ۶- در بعد خانوادگی اشتغال زنان بر تربیت بهتر فرزندان تأثیر دارد و همچنین اشتغال در سلامت زنان مجرد بیش از زنان متأهل مؤثر است(احسانی مقدم، ۱۳۸۹).

### چارچوب نظری تحقیق

در این تحقیق با استعانت از سه نظریه شامل نظریه کارکردگرایی مرتن، نظریه تقسیم کار دورکیم و نظریه کنش متقابل نمادین هربرت مید استفاده شده است. چون نظریات کارکردگرایی در سطح نظریه های کلان مطرح است فقط از نظریه برد متوسط مرتون تحت عنوان کارکرد آشکار و کارکرد پنهان استفاده کرده ایم.

#### ۱- نظریه کارکردگرایی مرتون:

الف) کارکرد آشکار: یعنی برای شرکت کنندگان اجتماعی، فعالیت اجتماعی شناخته شده و مورد انتظار است مثلاً این نکته آشکار و روشن است که از کارکردهای اصلی خانواده تربیت فرزند بوده و هم اکنون این وظیفه به مدارس و سایر موسسات آموزشی سپرده شده است. با ورود زنان به بازارهای کار و دستیابی آنان به منابع اقتصادی ناشی از کار، شکل سنتی خانواده را تغییر داده است(ریتزر، ۱۳۷۴ : ۳۹۰).

ب) کارکرد پنهان: آثاری که اشتغال زنان بر روابط با همسر و فرزندان می گذارد پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است، این دگرگونی در روابط خانوادگی، بر ساختار شغلی جامعه، نظام ارزشی، دیدگاه های سنتی، توزیع نقش، پایگاه های اجتماعی زن و مرد، ساخت خانواده، روابط سنتی زوجین و از همه مهمتر سرنوشت کودکان تأثیر انکار ناپذیری بوجود آورده است(همان ۳۹۱).

۲- **نظریه تقسیم کار دورکیم:** دورکیم معتقد است تقسیم کار در ایجاد همبستگی به خاطر این نیست که تقسیم کار، هر فردی را به مبادله گر تبدیل می کند بلکه برای آن است که بر اثر تقسیم کار، نظامی از وظایف و حقوق ما بین افراد بشر ایجاد می شود که موجب پیوند پایدار آنان با یکدیگر می گردد به عبارتی تقسیم کار قواعد و مقرراتی را پدید می آورد که تضمین کننده هماهنگی مسالمت آمیز و منظم نقش های تقسیم شده اند( دورکیم، ۱۹۱۷ : ۳۵۹). در این راستا تقسیم کار در منزل به سه دسته یا گروه انجام می شود:

**گروه اول:** زنانی را شامل می شود که علاوه بر کار بیرون از منزل کار خانه را هم انجام می دهند.

**گروه دوم:** زنانی را شامل می شود که علاوه بر کار بیرون از منزل کارهای خانه را با مشارکت همسر و فرزندان انجام می دهند.

**گروه سوم:** زنانی که فاقد همسر بوده و علاوه بر کار بیرون از منزل هم در نقش مادر و هم در نقش پدر به عنوان نان آور اصلی خانواده هستند.

۳- **نظریه کنش متقابل نمادین (هربرت مید):** برابر نظریه کنش متقابل نمادین، تأثیر معانی و نمادها بر کنش و کنش متقابل بشری است (ریترز، ۱۳۷۴ : ۲۸۶). کنش متقابل فراگردی است که از طریق آن، توانایی اندیشیدن هم پرورش می یابد و هم متجلی می گردد. بلومر در این زمینه معتقد است آنچه در کنش و کنش متقابل نمادین حایز اهمیت است، شیوه ای است که کنشگر با آن شناخته هایش را تعریف می کند. و مثالی که در این زمینه می آورد این است که شناخته های گوناگون برای افراد گوناگون متفاوت است مثلاً یک درخت برای یک گیاه شناس، چوب فوش، یک باغبان. که افراد طی فراگرد اجتماعی شدن معانی شناخته ها را یاد می گیرند.

#### تلفیق نظریه ها

الف) از نظریه کارکردگرایی مرتن چنین استنباط می شود ورود مادران به بازارهای کار در واقع بر روابط افراد درون خانواده به طور اجتناب ناپذیری تأثیر می گذارد. ولی چون هرگز نمی توانیم کارکردهای مثبت و منفی را روی هم جمع کنیم (مفهوم تعادل خالص) و به طور عینی تعیین کنیم که کدام یک بیشتر است (اهمیت نسبی کارکردها) بنابراین فقط تا این لحظه می دانیم اشتغال زنان بر روابط خانوادگی تأثیر بسزایی دارد که پس از انجام تحقیق جهت آن را هم مشخص خواهیم کرد.

ب) از نظریه تقسیم کار دورکهمیم چنین بر می آید که برای رسیدن به یک همبستگی پایدار و به لحاظ عمومی روابط قوی و مستحکم، وجود تقسیم کار در خانه الزامی است.

ج) از نظریه کنش متقابل نمادین هم چنین برمی آید زنان شاغل اساساً باید به لحاظ روابط اجتماعی قوی تر و در نتیجه به لحاظ روابط خانوادگی و خویشاوندی بهتر از زنان خانه دار باشند، چون به جهت اشتغال به کار بیرون از منزل، معمولاً معانی شناخته ها را بهتر درک می کنند در اینجا منظور از شناخته ها همان روابط صمیمی و رفتارهای نمادین از قبیل استفاده از کلمات محبت آمیز و ... است.

#### مدل تحلیلی تحقیق



### فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی: ۱- بین اشتغال زنان در خارج از خانه و روابط خانوادگی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه های منشعب از فرضیه اصلی عبارت اند از:

۱- بین اشتغال زنان و روابط زناشویی آنها رابطه معنی داری وجود دارد.

۲- بین اشتغال زنان و رابطه با خویشاوندان یکدیگر رابطه معنی داری وجود

دارد.

۳- بین اشتغال زنان و رابطه با فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد.

### روش شناسی تحقیق

تحقیق از نوع کمی، ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه، جامعه آماری نقاط شهری شهر اهر، نمونه آماری تمام زنان شاغل و غیر شاغل و متأهل بالای ۲۰ سال شهر اهر، برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران انجام شده، تعداد نمونه ۱۹۳ نفر زن متأهل شاغل و ۲۰۴ نفر زن متأهل غیرشاغل جمعاً ۳۹۷ نفر، واحد نمونه گیری با توجه به پراکندگی جمعیت مورد مطالعه در سطح شهر، خانواده است. واحد تحلیل زنان متأهل شاغل و غیر شاغل نقاط شهری شهر اهر، شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بوده است، بدین معنی که از بین مناطق سرشماری شهر اهر تعدادی منطقه بصورت تصادفی انتخاب و سپس در درون هر منطقه به نسبت خانوارها خوشه های برگزیده و خانوار درون خوشه ها به گونه ای تصادفی انتخاب شده است. قابلیت اعتبار یا روایی (validity) با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ بوده که برای هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق برابر جدول زیر میزان آلفا مشخص شده است.

### مقدار آلفای متغیرهای اصلی تحقیق

مقدار آلفای کرونباخ	متغیرهای اصلی تحقیق
$\alpha=0/88$	روابط خانوادگی
$\alpha=0/93$	روابط زناشویی
$\alpha=0/92$	روابط خویشاوندی
$\alpha=0/94$	روابط با فرزندان

### تعاریف مفهومی

**اشتغال:** شغل یا پیشه کاری است که در برابر مزد یا حقوق منظمی انجام می شود (گیدنز، ۱۳۷۴: ۵۱۷) یعنی فعالیت فرد در یکی از نهادها و سازمان های دولتی یا خصوصی از طریق گردش سرمایه در بازار به صورت رسمی یا قراردادی یا پیمانی به طوری که فرد درآمد ماهیانه دریافت می کند.

**روابط خانوادگی:** روابط خانوادگی را می توان در سه بعد روابط زناشویی، روابط والدین با فرزندان، روابط والدین با سایر خویشاوندان و آشنایان تلقی نمود (مظاهری، ۱۳۸۳: ۳۹).

**روابط زناشویی:** رابطه زناشویی به باور اینگلهارت از ویژگیهای جوامع مدرن است و شغل نیز به عنوان عاملی مدرن از عامل های ایجاد کننده آمادگی برای پذیرش ارزشهای مدرن است و عبارت است از حسن اجرای رفتارهای کلامی و عاطفی، توجه به نیازهای جنسی، داشتن روابط تصمیم گیری و روحیه مشارکتی و مشورتی بین زن و مرد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۱۱) و (سرایبی، ۱۳۸۹: ۵۹).

**روابط خویشاوندی:** ارزیابی محدوده رفت و آمدهای خانوادگی (اعم از مسافرت، صله رحم) زنان با سایر خویشاوندان نسبی و سببی (باقری، ۱۳۸۸: ۵۴).

**روابط والدین با فرزندان:** منظور از ارتباط با فرزندان یعنی مجموعه روابط عاطفی و صمیمانه، روابط مشورتی، و رابطه تنبیه و تشویق فرزند در درون خانواده مد نظر است (علاقه بند، ۱۳۷۱: ۱۱).

#### تعاریف عملیاتی

نمونه پرسشنامه در پایان برای نحوه عملیاتی متغیرهای تحقیق نمایش داده خواهد شد (۱ الی ۲۵: روابط زناشویی)، (۲۶ الی ۴۰: روابط خویشاوندی)، (۴۱ الی ۵۲: روابط با فرزندان)

#### نتیجه گیری

- ۱- یافته های توصیفی
- ۲- یافته های استنباطی

**تحت پوشش بیمه بودن:** تعداد ۱۹۳ نفر (۱۰۰ درصد) از زنان شاغل تحت پوشش بیمه خدمات درمانی و یا تامین اجتماعی بودند؛ و تعداد ۱۰۸ نفر (۵۳ درصد) از زنان خانه دار بیمه بودند. و این نکته بیانگر رابطه مستقیم اشتغال و درآمد با آسایش و رفاه اجتماعی و خانوادگی می باشد.

**نان آور اصلی بودن:** برابر جدول ۴-۹ تعداد ۳۶ نفر (۱۸.۷ درصد) از زنان شاغل و تعداد ۲۲ نفر (۱۰/۸ درصد) از زنان خانه دار نان آور اصلی خانواده شان بودند.

**تعداد فرزندان:** میانگین تعداد فرزندان زنان شاغل ۱.۴ یعنی از بین ۱۰ زن شاغل ۱۴ فرزند داشته اند. درحالیکه میانگین تعداد فرزندان زنان خانه دار ۳.۰۵ بوده یعنی هر ۱۰ زن خانه دار ۳۰ فرزند داشته اند. این اختلاف میانگین بیش از دو برابر، بیانگر این است که زنان شاغل بدلیل مشغله کاری و عدم وقت کافی برای رسیدن به امور فرزندان در کنترل باروری تلاش کرده اند. میانگین فاصله سنی فرزندان زنان شاغل ۲.۲ سال و میانگین فاصله سنی فرزندان زنان خانه دار ۱.۹۹ بوده که خود بیانگر وجود وقت آزاد و میل به فرزند آوری زنان خانه دار می باشد.

### وضع فعالیت پاسخگویان

نمونه آماری دارای ۱۹۳ نفر زن متأهل و شاغل، ۲۰۴ نفر زن متأهل و خانه دار بود.

### سن پاسخگویان

بیشترین و کمترین سن زنان شاغل به ترتیب ۴۹ و ۲۱ و میانگین سن آنها ۳۳ سال بوده است و این ارقام برای زنان خانه دار به ترتیب ۵۸ و ۲۰ سال و میانگین ۳۹ سال گزارش شده است.

### سابقه کار

بیشترین میزان سابقه کار زنان شاغل ۲۵ سال و کمترین میزان سابقه کار ۱ سال و میانگین سابقه کار آنان ۷.۱ سال بوده است.

### ساعات کار روزانه

بیشترین میزان ساعات کار روزانه زنان ۱۱ ساعت در روز و کمترین آن ۵ ساعت در روز و میانگین ساعات کار ۷.۳۸ ساعت در روز گزارش شده است.

**درآمد:** بیشترین میزان درآمد ماهیانه زنان شاغل ۹۰۰۰۰۰ تومان و کمترین میزان آن ۲۵۰۰۰۰ تومان گزارش شده است و میانگین درآمد ماهیانه زنان شاغل ۴۸۷۵۰۰ تومان برآورد شده است.

**موقع فعالیت:** از نظر موقع فعالیت تعداد ۱۳۶ نفر (۹۳.۲ درصد) شیفت روز و یک نفر (۰/۷ درصد) شیفت شب و ۹ نفر (۶.۲ درصد) بصورت نوبتی و دوشیفتی کار می کردند. میزان ۳۵.۶ درصد از زنان شاغل بزرگترین مانع بر سر اشتغال شان را نگهداری از فرزندان عنوان نموده اند، و ۲ درصد عدم رضایت همسر، ۲ درصد بی حوصله گی و عدم علاقه به کار، ۱۱ درصد کارهای مربوط به خانه را به عنوان بزرگترین مانع اشتغال عنوان کرده اند. در حالیکه ۴۹.۴ درصد از زنان شاغل عنوان نموده اند که هیچ مشکلی از بابت اشتغال ندارند. و ملاحظه می شود که چیزی نزدیک به نصف زنان شاغل از شغل خود احساس رضایت دارند و مشکلی بر سر راهشان نمی بینند.

ملاحظه می شود که میانگین نمرات هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق برای زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل است برای سنجش این تفاوت میانگین از آزمون  $t$  دو استفاده شد که هر چهار فرضیه تحقیق دارای سطح معنی داری بالای  $0/000 = sig$  بود که نشان دهنده این است که تفاوت میانگین واقعی بوده و ناشی از تصادف یا خطای محقق نیست. حال برای سنجش رابطه ها از آزمون  $t$  دو گروه مستقل استفاده می کنیم.



بررسی تأثیر اشتغال خارج از خانه زنان بر روابط خانوادگی

**فرضیه اول:** بین اشتغال خارج از خانه زنان و روابط خانوادگی آنان رابطه معنی داری وجود

دارد.

متغیرهای اصلی	زنان شاغل	زنان غیرشاغل
روابط خانوادگی	۱۸۹.۷	۱۲۴
روابط زناشویی	۹۳	۵۷.۴
روابط خویشاوندی	۵۸.۶	۳۶.۷
روابط با فرزندان	۳۸.۵	۳۰.۴

**آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و روابط خانوادگی**

Independent Samples Test									
t-test for Equality of Means									
آزمون لون برابری واریانس									
	f	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	تفاوت میانگین	تفاوت انحراف استاندارد شده	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
روابط خانوادگی	۲۳.۰۰	.۰۰۰	۵۱.۷	۳۹۵	.۰۰۰	۶۵.۴۸۴۰۷	۱.۲۶۵۷۳	۶۲.۹۹۵	۶۷.۹۷
روابط خانوادگی	۴۹		۳۶					۶۶	۲۴۹
روابط خانوادگی			۵۱.۱	۳۱۹	.۰۰۰	۶۵.۴۸۴۰	۱.۲۸۱	۶۲.۹۶	۶۸.۰۰
روابط خانوادگی			۱۶	۹					۴

طبق جدول آمار استنباطی فوق در قسمت اول جدول که به آزمون واریانس دو جامعه می پردازد سطح معنی داری مربوط به آزمون لون برابر با ۰/۰۰۰، کوچکتر از ۰/۰۵ در نتیجه فرض اینکه واریانس جامعه زنان شاغل برابر با واریانس جامعه زنان خانه دار است، تایید و نابرابری آنها رد می شود. باتوجه به مقدار میانگین های دو نمونه بر حسب متغیر مستقل می توان نتیجه گرفت که متغیر مستقل ( اشتغال زنان ) بر متغیر وابسته ( روابط خانوادگی ) تأثیر مثبت و مستقیم دارد. یعنی زنان شاغل به لحاظ ارتباط عاطفی با همسر خود، تقسیم کار در منزل و برخورد با فرزندان نسبت به زنان خانه دار موفق بوده اند و این نتیجه گیری یعنی در نهایت تأیید فرضیه شماره اول با احتمال ۹۵ درصد تأیید رقم می زند.

**فرضیه دوم:** بین اشتغال خارج از خانه زنان و روابط زناشویی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

**آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و روابط زناشویی**

		t-test for Equality of Means								
		آزمون لون								
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower		Upper
روابط	برابری واریانس	.236	.628	60.997	395	.000	35.21000	.57724	34.07515	36.34484
زناشویی	نابرابری واریانس			60.915	390	.000	35.21000	.57802	34.07358	36.34642
					9					

طبق جدول آمار استنباطی فوق در قسمت اول جدول که به آزمون واریانس دو جامعه می پردازد سطح معنی داری مربوط به آزمون لون برابر با ۰/۰۵ / بزرگتر از ۰ / در نتیجه فرض اینکه واریانس جامعه زنان شاغل برابر با واریانس جامعه زنان خانه دار است، رد و نابرابری آنها تأیید می شود. و ادعای تفاوت بین اشتغال زنان و روابط زناشویی در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود و باتوجه به مقدار میانگین های دو نمونه بر حسب متغیر مستقل می توان نتیجه گرفت که متغیر مستقل ( اشتغال زنان ) بر متغیر وابسته ( روابط زناشویی ) تاثیر مثبت و مستقیم دارد. یعنی زنان شاغل به لحاظ ارتباط عاطفی با همسر خود، و نحوه درخواست و انجام ارتباط جنسی با همسر خود راحت تر هستند و از انجام آن نسبت به زنان خانه دار لذت بیشتری می برند و این نتیجه گیری در نهایت باعث تأیید فرضیه دوم می گردد.

**فرضیه سوم:** بین اشتغال خارج از خانه زنان و روابط خویشاوندی آنان رابطه معنی داری وجود دارد.

**آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و روابط خویشاوندی**

		Independent Samples Test								
		t-test for Equality of Means								
		آزمون لون								
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower		Upper
روابط	برابری واریانس	1.571	.211	43.558	395	.000	22.22877	.51032	21.22548	23.23206
خویشاوندی	نابرابری واریانس			43.631	394.992	.000	22.22877	.50948	21.22714	23.23039

طبق جدول آمار استنباطی فوق در قسمت اول جدول که به آزمون واریانس دو جامعه می پردازد سطح معنی داری مربوط به آزمون لون برابر با ۰/۰۵ / بزرگتر از ۰ / در نتیجه فرض اینکه واریانس جامعه زنان شاغل برابر با واریانس جامعه زنان خانه دار است، رد و نابرابری آنها تأیید می شود. و ادعای تفاوت بین اشتغال زنان و روابط زناشویی در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می شود و باتوجه به مقدار میانگین های دو نمونه بر حسب متغیر مستقل می توان نتیجه گرفت که متغیر مستقل ( اشتغال زنان ) بر متغیر وابسته ( روابط خویشاوندی ) تاثیر مثبت و مستقیم دارد. یعنی زنان شاغل به لحاظ به جا آوردن صله رحم، مسافرت های فامیلی، خریدن کادو در مناسبت های خاص به بستگان همدیگر نسبت به زنان خانه دار بیشتر پیش قدم بوده اند و این نتیجه گیری در نهایت باعث تأیید فرضیه سوم می گردد.

**فرضیه چهارم:** بین اشتغال خارج از خانه زنان و روابط با فرزندان رابطه معنی داری وجود دارد.

آزمون t دو گروه مستقل برای بررسی رابطه بین اشتغال زنان و روابط با فرزندان

		Independent Samples Test								
		t-test for Equality of Means								
		آزمون لون								
		F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
روابط با فرزندان	برابری واریانس	149.895	.000	7.901	395	.000	8.04531	1.01832	6.04331	10.04732
	نابرابری واریانس			7.728	233.15	.000	8.04531	1.04106	5.99421	10.09641

طبق جدول آمار استنباطی فوق در قسمت اول جدول که به آزمون واریانس دو جامعه می پردازد سطح معنی داری مربوط به آزمون لون برابر با  $0.000$ ، کوچکتر از  $0.05$  در نتیجه فرض اینکه واریانس جامعه زنان شاغل برابر با واریانس جامعه زنان خانه دار است، تأیید و نابرابری آنها رد می گردد و باتوجه به مقدار میانگین های دو نمونه بر حسب متغیر مستقل می توان نتیجه گرفت که متغیر مستقل ( اشتغال زنان ) بر متغیر وابسته ( روابط فرزندی ) تاثیر مثبت و مستقیم دارد. یعنی زنان شاغل به لحاظ ارتباط عافی با فرزندان، رابطه تنبیه و تشویق و مشارکت دادن فرزندان در امور خانه نسبت به زنان دار علی رغم مشغله کاری که دارند بهتر عمل کرده اند.

**بحث و تفسیر نهایی و بازنگری چارچوب نظری تحقیق**

۱- روابط خانوادگی در بین زنان شاغل از سطح متوسط به بالا می باشد و از بین شاخصهای سه گانه روابط زناشویی، روابط خویشاوندی و روابط با فرزندان بالاترین سطح فراوانی را دارد. گرچه همه شاخصها در حد متوسط به بالا قرار دارند، طبق دیدگاه مرتون هرگز نمی توان کارکردهای مثبت و منفی را باهم جمع کرد و به طور عینی تعیین کرد که کدام یک، بیشتر موثر بوده است(اهمیت نسبی کارکردها). بنابراین نتیجه می گیریم علاوه بر اینکه اشتغال زنان کارکردهای آشکاری مانند درآمدزایی و کمک به اقتصاد خانواده، افزایش منزلت اجتماعی فرد را دارد، ولی کارکردهای پنهان آن مانند روابط عاطفی و صمیمی والدین با همدیگر، ایجاد ارتباط موثر با خویشاوندان و فرزندان طبق یافته های تحقیق بیشتر بوده است. این نتیجه گیری با یافته های هریت تیلور(۱۳۷۸)، بیرد(۱۹۹۹)، مرکز مطالعات فرهنگی(۱۳۷۸)، زمانی(۱۳۸۶) و نیک صالحی(۱۳۸۶) مطابقت دارد و با یافته های آندره میشل(۱۳۵۴)، پارسونز(۱۳۷۴) و آگوست بیل(۱۳۸۲) مطابقت ندارد.

۲- روابط زناشویی در بین زنان شاغل از سطح متوسط به بالا می باشد. در حالی که برای زنان خانه دار اینگونه نیست. برابر نظریه تقسیم کار دورکیم زنان شاغل به دلیل اشتغال خارج از خانه معمولاً به صورت توافقی کارهای مربوط به خانه را تقسیم و به همدیگر در امور خانه کمک می کنند. و این خود موجب رضایت نسبی و کارکرد پنهان می گردد. از طرفی برابر نظریه کنش متقابل نمادین، تأثیر معانی و

نمادها بر کنش و کنش متقابل بشری است (ریتزر، ۱۳۷۴ : ۲۸۶) یعنی چون زنان شاغل در برقراری ارتباط و توانایی به کار بردن اصطلاحات نمادین مانند (عزیزم، نازم، جیرانم، یا خریدن کادو در روز تولد و ...) نسبت به زنان شاغل موفق بوده اند بنابراین تأثیر واژه های نمادین در روابط زناشویی آنها مثبت و مستقیم بوده است. و این نتیجه گیری با یافته تحقیقات علویه (۱۳۸۲)، کون (۱۹۹۲)، لون (۱۹۹۴) و مایکل (۱۹۹۸)، افروز (۱۳۸۴) و یزدانی (۱۳۸۴) و مرکز مطالعات فرهنگی (۱۳۸۷) همخوانی دارد. همچنین میزان نزدیکی در ارتباط جنسی برای زنان شاغل بیش از زنان خانه دار بود. همان طوری که انتظار می رفت و در قسمت بیان مسئله هم ذکر شده بود، سنت های ریشه دار اجتماعی و انتظارات ناشی از جوامع کوچکی مانند شهر اهر، این نتیجه گیری را تأیید می کند. این نتیجه گیری با یافته های تحقیق افروز (۱۳۸۴) و شرفخانی و ایزدی (۱۳۸۶) مخالف بوده است. شاید بتوان گفت که دست کم در شهر اهر اشتغال زنان به طور نسبی در روابط زناشویی موثر بوده و این قشر از زنان تفاهم بیشتری به دلیل نزدیکی به محل کارشان و کوچک بودن محیط زندگی شهری و اکثراً روابط غیررسمی و چهره به چهره در این شهرستانها چندان مشکل جدی با همسر خود ندارند.

۳- روابط خویشاوندی در بین زنان شاغل و غیر شاغل هر چند که هر دو در حد متوسط بود ولی این مقدار برای زنان شاغل بیشتر بود چرا که زنان شاغل به دلیل داشتن تحصیلات بیشتر معمولاً رغبت زیادی برای انجام روابط خویشاوندی از قبیل صلح رحم، خریدن کادو برای بزرگترها در ایام و مناسبت های خاص، رفتن به میهمانی یا دعوت به میهمانی بستگان همدیگر که برابر نظریه کنش متقابل نمادین تأیید می شود و این نتیجه گیری با یافته های تیلا (۱۳۷۱) نیک صالحی (۱۳۸۶) و رفعت جاه (۱۳۸۶) و محتشمی (۱۳۸۷) مطابقت دارد، درحالیکه با یافته های تلکسی (۱۳۶۷) و بی ریا (۱۳۷۹) مغایر است.

۴- بیشترین نمره روابط با فرزندان مربوط به زنان شاغل و در حد بسیار بالا بود اگر به شاخص های روابط با فرزندان مراجعه کنیم باز هم طبق نظر هربرت مید مجموعه روابط کنش متقابل نمادین در این میان موثر و مفید بوده است، هر سه شاخص ارتباط با فرزندان شامل ارتباط عاطفی و کلامی، ارتباط مشورتی و تصمیم گیری و رابطه تنبیه و تشویق فرزندان کنش متقابل را می آفریند با توجه به نتیجه گیری قبلی راجع به روابط زناشویی، این فرضیه این گونه نتیجه می دهد که هر چند مادران شاغل وقت کمی را با فرزندان خود می گذرانند، ولی چون با همسرشان تفاهم دارند؛ در تقسیم کار خانه از آنها نیز کمک می گیرند مانند نگهداری از فرزندان، همین طور به دلیل استقلال مالی بیشتر نسبت به زنان خانه دار روابط بهتری با فرزندان خود دارند و این نتیجه گیری با یافته های طیبی (۱۳۷۶)، میاکلم (۱۳۸۰) و احسانی مقدم (۱۳۸۹) همخوانی دارد. ولی با یافته های بی ریا (۱۳۷۵)، ساروخانی (۱۳۸۱)، افروز (۱۳۸۴) مغایر است.

**مشکلات و محدودیت های تحقیق:** یکی از مشکلات اساسی، بیسواد یا کم سواد بودن زنان خانه دار و مشکل در پر کردن پرسشنامه آنها بود و دیگری عدم سنخیت جنس محقق با پاسخگویان که محقق مذکر بوده و پاسخگویان مؤنث که اگر این تحقیق توسط یک زن انجام می شد بهتر و راحت تر می توانست در جمع آوری اطلاعات پیش برود.

### پیشنهادهای کاربردی

۱- کنترل و جلوگیری از کارفرمایان سودجو که زنان را به کارهای طاقت فرسا و می دارند و با این کار دلزدگی از نقش بوجود می آید و در نتیجه زن مجبور به ترک شغل خود می شود مخصوصاً زنانی که به صورت دو شیفتی کار می کنند از این بابت گله مند بودند.

۲- با توجه به میزان متوسط کار زنان (۷/۳۰ ساعت در روز) تشکیل کارگاههای متناسب با زنان با شیفت کوتاه مدت (مثلاً سه شیفت چهار ساعته آن هم در روز).

۳- بزرگترین مشکل کار زنان را نگهداری از فرزندان عنوان نموده اند؛ برای حل این مشکل لازم است مهد کودک ها دست کم در نزدیکی محل کار زنان ساخته شود.

۴- بها دادن به کار خانگی و توسعه کارهای صنعتی بزرگ و تجزیه آن به کارهایی که بتوان در منزل انجام داد تا هرچه بیشتر زنان خانه دار هم بتوانند از مزایای اشتغال خانگی بهره گیرند.

۵- آنچه امروزه برای نظام اسلامی حائز اهمیت است، اتخاذ سیاست ها و روش هایی است که فعالیت کلیه نهادها را در جهت ارتقای جایگاه خانواده هماهنگ و تقویت کند و موانع کارآمدی را تا حد امکان از میان بردارد. گاهی اوقات مشاهده می شود که زنان در فضایی مشغول به کار می باشند که شخصیت و هویت زن در قبضه اراده و اختیار دیگران قرار می گیرد و با استفاده از ویژگی های خاص زنانه، تبدیل به وسیله تبلیغاتی برای سودجوییهای کلان دیگران می شوند که در شأن و مرتبه زن خصوصاً در جامعه اسلامی نیست؛ البته این نتایج را هنگام تنظیم پرسشنامه به صورت مصاحبه با پاسخگویان جمع بندی و نتیجه گیری کرده ایم؛ در این خصوص توصیه می شود تا حد امکان مدیران و کارفرمایان کارگری به این موضوع توجه خاص داشته باشند و حدالمقدور محل کار زنان را از مردان جدا نمایند.

۶- تشکیل سازمان های حمایتی از زنان در موقعیت های بحرانی، مثل از دست دادن شوهر، طلاق، بیماری های صعب العلاج، دوران پیری و از کار افتادگی و ... مخصوصاً این پیشنهاد را در هنگام توزیع پرسشنامه در برخورد با زنانی دریافتیم که طلاق گرفته بودند یا شوهرشان فوت شده بود و از دادن پرسشنامه به آنها خودداری شد.

۷- حضور والدین و نقش آنها در هویت یابی نوجوان بسیار مهم است. در این مرحله، والدین علاوه بر حضور فعال در خانه، باید به طور غیر مستقیم رفتار نوجوان خود را در خارج از محیط خانه رهبری کنند، دوستان او را شناسایی کنند، پرتگاه ها و خطراتی که نوجوان را تهدید می کند به او یادآوری نمایند. مثلاً افزایش مدت مرخصی زایمان

### پیشنهادهای پژوهشی

به صورت جامع تأثیر اشتغال زنان را بر دیگر ابعاد زندگی بررسی کنند و نتایج تطبیقی آن را در اختیار مسئولان اجرایی کشور قرار دهند. همین طور بهتر است این تحقیق با مشارکت و نظر خواهی از مردان نیز انجام گیرد تا بتوان قضاوت درستی درباره روابط خانوادگی از قبیل رابطه جنسی و رابطه خویشاوندی نظر مردان را هم در تحقیق دخالت داد.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

- احسانی مقدم، ندا (۱۳۸۹) مروری بر اشتغال زنان، نشریه علمی پژوهشی کار و جامعه، شماره ۱۲۴ و ۱۲۵ آبان و آذر ۱۳۸۹
- اینگلهارت، ر (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویر
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۹) جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۰) روانشناسی کم رویی و روشهای درمان آن، تهران، انتشارات نشر دفتر فرهنگ اسلامی.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۴) روانشناسی خانواده، همسران برتر، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۲) مبانی روانشناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزشهای اسلامی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه.
- اردلان، فرنگیس (۱۳۵۵) طرز تفکر دانشجویان در مورد معیارهای خانواده و ازدواج، تهران: نشریه مرکزی دانشکده تهران، سال ۲، شماره ۱۶.
- احمدی نیا، شیرین (۱۳۸۲) مسائل اجتماعی ایران، (انجمن جامعه شناسی ایران) چاپ اول، نقش جهان.
- بی ریا، ناصر (۱۳۷۵) روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلام، تهران، سمت، ج ۲، ص ۸۵۴.

## بررسی تأثیر اشتغال خارج از خانه زنان بر روابط خانوادگی

- باقری، معصومه و همکاران (۱۳۸۸) بررسی اشتغال زنان و تأثیر آن بر هرم قدرت در خانواده، فصلنامه اجتماعی کار و جامعه، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴ آبان ۸۸
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی خانواده، تهران، دانشگاه پیام نور
- توسلی، غلامعباس (۱۳۶۹) نظریه‌های جامعه‌شناسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تهران.
- تیلا، عباس (۱۳۷۱) زن در آینه تاریخ، تهران، انتشارات روشنگران.
- خزائی، زهرا (۱۳۸۱) اومانیزم سارتر در نگاه هادیگر، تهران، انتشارات نشر.
- خسروی، زهره و همکاران (۱۳۸۱) مبانی روانشناختی جنسیت، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی-اجتماعی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶) سمینار معماری کلان، تهران، انتشارات فتا.
- زمانی، فریبا (۱۳۸۶) تأثیر کار زنان بر زندگی خانوادگی، تهران، روزنامه همشهری، شماره ۴۲۳۶ ص ۲۳.
- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری (۱۳۷۴) زن، علم، صنعت و جامعه، تهران.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، نشر مرکز، تهران، چاپ دوم
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰) جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی، تهران نشر مرکز
- سفیری، خدیجه (۱۳۷۷) جامعه‌شناسی اشتغال زنان، تهران، انتشارات تبیان.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۸۱) توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران: نشر قطره.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی
- میشل، آندره (۱۳۵۴) جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات دانشگاه.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره چهل و دوم، پاییز ۱۳۹۳

- مرکز مطالعات فرهنگی و بین المللی مدیریت مطالعات (۱۳۷۸) مقالات و متون درباره فمینیسم، بولتن مرجع فمینیسم، شماره ۴.

- مظاهری، علی اکبر (۱۳۸۳) جوانان و انتخاب همسر، قم، انتشارات پارسیان، چاپ بیست و دوم

- میاکلم، پرنیگل (۱۳۸۰) نیازهای کودکان، ترجمه نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، تهران، رشد.

- طبسی، محمدجواد (۱۳۷۶) حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۵ و ۲۶.

- علیجانی، رضا (۱۳۷۷) نهضت بیداری زنان، مجله ایران فردا، سال ششم، شماره ۴۱، تهران.

- علویه، ام الفخر (۱۳۷۲) یاقوت و مرجان، تهران، انتشارات نشر.

- یزدانی، محمدحسین (۱۳۸۴) بررسی دیدگاه زنان شاغل بر استحکام خانواده، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد خلیخال، شماره ۵

#### منابع انگلیسی

- 1- Blumer, Herbert (1969), what is wrong whit social theory? In H. blumer, symbolic interaction, peg 141
- 2- Bird, C. E. (1999). Gender, household, labor, and psychological amount and divison of housework. *Journal of Health and Social Behavior*, 40, 35-40.
- 3- Giddens, Anthony (1972), *Sociology and social philosophy*. In a. giddens. Cambridge university. peg: 35
- 4- Gottman, J., Coan, J. Carrere, S, & Swanson, C. (1998). Predicting marital happiness and stability from newlywed interactions. *Journal of Marriage and the Family*, 60, 5-22.
- 5- Koan, N, Konan, S. (1997). Effect of public day care A longitudinal study. *Child Development*, 60-358-369.
- 6- Loewen, E. R., Snawt, R. (1994). Age diffrences components of metamemory. *Exprimental Aging Research*, 16, 43-48.
- 7- Maikels, S. E. (1998). *Basic numan genetics*. (2 nd ed). Standard M. A : Sinauer Association.